

جاودانگی در میزبانی کهن اشتراک ادیان و عرفان

حسین فامیلیان سورکی، استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران
h.familian@yahoo.com

چکیده

ادب و مهمان دوستی یکی از خصایص برجسته فرهنگ شرقی و بخصوص فارسی زبانان و ایرانیان است. آداب و آیین این ویژگی در دیوان های شاعران و متون نثر و سفرنامه های سیاحان و نوشته های مستشرقان بنحو شایسته بازتاب یافته است. نگارنده در مقاله حاضر آهنگ آن دارد به پیشینه این خصیصه ارزنده در ادیان ابراهیمی - یهودیت، مسیحیت، اسلام - و نوشته های پهلوی و اسناد کهن و استمرار و تعمیق آن در متون عرفانی پردازد و در حد توان سعی دارد نشان دهد این صفت نیکو از کهن اعتقادات مشترک ادیان ابراهیمی و کیش زرتشتی است. در گستره این پژوهش کتابخانه ای نگارنده صرفاً به ارتباط معنی دار و نوید بخش میزبانی و رستگاری پرداخته است. اگر چه در زمینه مهمان نوازی آثار ارزشمندی نگاشته شده است با استقصای نگارنده در این موضوع خاص یعنی توجه به نقاط مشترک و وحدت بخش ادیان و عرفان که یکی از ضرورت های روزگار ماست پژوهشی انجام نشده است. با توجه به اهمیت موضوع، نگرانی همیشگی از نیستی و سرنوشت واپسینی که گریز ناپذیر است و همه را در می یابد نوشته حاضر کوشیده است بر پایه یافته های دیرین دری بروی یکی از کهن ترین آرزوهای بشر یعنی دست یابی به «زیست جاودانه» و والاتر بگشاید.

واژگان کلیدی: میزبانی، رستگاری، ادیان، عرفان

مقدمه :

باتوجه به تحولات شگرف و پیشرفتهای بی سابقه ای که در دهه های اخیر در ابعاد مختلف مادی و این جهانی زندگی بشر پدید آمده است آدمی از حیث معنوی و اخلاقی همپای زمینه های پیشگفته تعالی نیافته بلکه در مواردی متزلزل و یا متوقف و حتی در ساحت های سقوط کرده است.

بنا به اعتقاد طیبیان فرهنگی و درد آشنایان اجتماعی در شرایط کنونی، انسان معاصر برای ایجاد توازن و تناسب سویه های گوناگون غیرمادی زندگی و حفظ ارزشهای در معرض تهدید، نیاز به ریشه ها و تکیه بر پیشینه ها دارد و روی آوردن به ملجأ مطمئن و صیانت گر بیش از گذشته حس می شود.

باورمندیم که متون مقدس در حکم ندای بلا انقطاع عروج بخشی هستند که بهزیستی و سعادت همگان را ضمانت می کنند. آموزه های نوشته های کهن نیز که ملهم از کتب آسمانی و گرانبار از تراکم تعقل و تجارب نسلهاست امید آفرین و همواره شایان رجوع و التجاء هستند.

مهم ترین رسالت سفیران الهی بهروزی و نیک فرجامی انسانها است. با تأمل و تعمق در متون مقدس و مقایسه استنادها در می یابیم که موجبات رستگاری در آیین پیغمبران اشتراکات بالایی دارند و اهم آنها در تعالیم ادیان ابراهیمی - یهودیت، مسیحیت، اسلام - عبارتند از: ایمان به خدای واحد؛ تصدیق رسالت پیامبران و اطاعت از آنها؛ اعتقاد به آخرت؛ دوری از آلودگی و گناهان؛ اجتناب از خونریزی و قتل و گرامی داشتن پدر و مادر و ... است.

در کنار موارد برشمرده، مهمان دوستی و ارج نهادن به نان خواه و پناه جو از موارد مشابه داده های دینی و از جمله عوامل مؤثر رستاخیز آسان پیروان است که در متون مقدس؛ لسان رُسل؛ اسناد و دفترهای پهلوی و نوشته های

متصوفه به صورت یکسان آمده است. در نوشته پیش رو برآنیم به ریشه و پیشینه این فضیلت ایرانیان که شرایط زندگی نوین و تحولات دنیای کنونی تا حدی از اهمیت و جایگاه آن کاسته است پرداخته شود.

۱. مهمان دوستی در آیات و احادیث و روایات

معتبرترین سنجه برای پی بردن به اهمیت موضوعی توصیه آن در سخن خداوند است. از آنجا که در ذات اوامر الهی سعادت اخروی تعبیه شده است و عمل به دستورات خداوند مایه نیک فرجامی است در ذیل نمونه‌هایی از ارج گذاری مهمان در کلام وحی آورده می‌شود.

آیه ۲۱۵ از سوره بقره مربوط به اقدام پسندیده کمک به راه‌گذریان است از این رو مسلمانان تسهیلات فراوانی برای سیاحان فراهم می‌آورند. «وابن السبیل» در آیه مذکور مهمان است؛ هزینه کردن برای مهمان، خواه حضری و خواه سفری از مصادیق هزینه در وجوه بر، مصالح و احسان با مردمان است و خدای به آن پاداش می‌دهد. (میبیدی، ۱۳۷۱ : ۵۷۵/۱)

به نظر می‌رسد دو آیه از جمله عمیق‌ترین سخنان کتاب مقدس است نخست آیه ۹۲ از سوره آل عمران که خداوند می‌فرماید: «لن تنا لوا البر حتی تنفقوا ممّا تحبون» هرگز به نیکی دست نخواهید یافت مگر از آنچه دوست دارید (به دیگران) ببخشید. و دیگر آیه ۹ از سوره حشر که می‌فرماید: «و یؤثرون علی أنفسهم و لو کان بهم خصاصه» و (مهمان) بر خود می‌گزینند هرچند که به طعام دل‌اسا (=آرزومند) و نیازمنداند. (همان، ۴۳/۱)

گفته اند آیه ۱۴۸ از سوره «النساء» در شأن مهمان نازل شده است «این آیت رخصت است مظلوم را که از دست ظالم بنالد، و از وی شکایت کند... یا دعای بد کند بروی می‌گویند: سخن بد گفتن در گله کردن از هیچکس پسندیده نیست، و خدای دوست ندارد، مگر از کسی که گله کند از میزبان بد، که کسی به مهمان وی شود و او را مهمانی نکند، یا کند و نیکو ندارد.» (همان، ۲/ ۴۷-۷۴۶)

از امام صادق (ع) روایت کرده اند که در تفسیر آیه فوق فرموده «هر کسی قومی را مهمان کند و بد پذیرایی کند، او از کسانی است که ظلم کرده، پس بر مهمانان حرجی نیست که درباره او چیزی بگویند. (طباطبایی، ۱۳۸۹ : ۲۰۴/۵)

در آیه ۷۷ از سوره کهف حضرت موسی و خضر به شهری رسیدند و از مردمان آن خوردنی خواستند؛ اهل شهر ایشان را مهمان نکردند و مصطفی (ص) گفت لثیمان بودند قوم آن شهر که ایشان را طعام ندادند. (میبیدی، ۱۳۷۱ : ۷۲۳/۵)

نیز رک (طباطبایی، ۱۳۸۹ : ۴۸۰/۱۳) نیز رک (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹ : ۵۴۰/۱۲)

در تفسیر آیه ۶۱ از سوره «نور» آمده است: «قومی ... عادت داشتند که تنها نخوردندی بی مهمان، کسی بود از ایشان که بامداد تا شبانگاه منتظر مهمان نشستی یا کسی که با وی طعام خوردی پس اگر در شبانگاه هیچکس نیافتندی طعام نخوردندی، این آیت ایشان را رخصت آمد که اگر خواهید با هم خورید خواهید پراکنده.» (میبیدی، ۱۳۷۱ : ۵۶۸/۶)

در سوره «الذاریات» آیات ۲۴ الی ۳۰ حضرت ابراهیم پذیرای مهمانان آسمانی است. رک (همان ۹ : ۳۰۵-۳۰۴)

نیز رک (همان ۵ : ۴۶۷) نیز رک (همان ۴ : ۴۲۴-۴۲۱) نیز رک (همان ۳ : ۲۱۰)

اهمیت اکرام مهمان در احادیث نبوی و سخن بزرگان و روایات بازتاب یافته که متضمن نکات ارزنده اعتقادی، اجتماعی، عرفانی و اخلاقی است نمونه‌های زیر از جمله مصادیق سفره‌گشایی و ناآشنا دوستی الگوهای ماست.

«الضیف دلیل الجنة» مهمان نوازی راهنمای راه بهشت است. (تشکر، ۱۳۸۸ : ۱۰)

اگر مواضیف و لو کان کافراً (مینوی، ۱۳۶۷ : ۴۰۲)

«الضیافه علی اهل الوبر ولیست علی اهل المدر» میهمانی برچادر نشین است نه برشهر نشین (فروزانفر، ۱۳۶۱ : ۲۰۶)

و فی الخبر عن النبی (ص) قال : من کان یؤمن بالله و الیوم الاخر فلیکرم ضیفه. (میبیدی، ۱۳۷۱ : ۳۱۴/۹)

و باز از حضرت رسالت مروی است : «السخی لا یدخل النار و لو کان فاسقاً. (زاکانی، ۱۳۷۴ : ۱۴۵)

از شنیده‌های پیامبر اکرم (ص) از جبرئیل است که: «خداوند متعال می‌فرماید: هر مسلمانی مسلمان دیگر را مهمان کند در اصل من مهمان او هستم و پاداش او در بهشت است.» (تشکر، ۱۳۸۸: ۱۱)

ابوهریره رضی الله عنه گوید که پیامبر (ص) گفت هر که بخدای ایمان دارد و روز واپسین، گو همسایه را رنجه مدار. و هر که ایمان دارد بخدای و روز واپسین گو مهمان نیکو دار...» (قشیری، ۱۳۸۵: ۱۸۱)

«ابوذر غفاری را مهمان رسید، بآن مهمان گفت که: این ساعت مرا عذری است که بیرون نتوانم شد. تو بفلان جایگه شو که شتران من ایستاده‌اند، یکی نیکوتر فربه‌تر بیار، تا خرج کنیم. آن مهمان رفت و یکی ضعیف‌تر نزارتر بیاورد. ابوذر گفت: این چه بود که کردی؟ که آن نزارتر آوردی، و فرمان من نبردی؟ گفت: آن فربه‌تر نیکوتر از آن نیاوردم تا روز حاجت بود که حاجت از این مهم تر افتد. ابوذر گفت: حاجت من این است که با من در خاکست، و مهم من این است که در گور با من قرین است. این چنین است و برسر این آنست که رب العالمین گفت: «لن تنالوا البرحی تنفقوا ممّا تحبّون» (میبدی، ۱۳۷۱: ۲۰۰/۲)

۲. یافته‌های تورات و انجیل

همانگونه که می‌دانیم ده فرمان قلب شریعت حضرت موسی است و قسمت اعظم فرمانهای تورات در تعالیم انجیلی توسط حضرت عیسی تأکید و تسجیل شد. در فرامین دهگانه حکم خدا بشکل برابر برای حضرت موسی و غریبانی که راه به درون دروازه‌ها یافته‌اند جاری است و رعایت آن تعالیم حیات جاودان را برای پیروان بارمغان می‌آورد (تورات، ۱۳۹۴: ۳۶۶-۳۶۵) نیز رک (همان: ۶۳۱)

در تورات خدای عظیم غریب و مهمان را دوست دارد و نان و جامه اش را مهیا سازد (همان: ۶۴۴)

نیز رک (همان: ۶۸۲)

بنابراین نکو میزبان یکی از صفات الهی است و اوست که به حقیقت همگان را سیری می‌بخشد و میزبان در این میان سایه و وجود موهومی بیش نیست.

آنچه امروزه بعنوان مهمان کردن و میزبان شدن متداول و معمول است اگر چه برکات و فواید دینی، اخلاقی و اجتماعی زیادی در بر دارد اما با خطاب زیر از حضرت عیسی به اهل ضیافت ضرورت اصلاح و بازنگری دارد:

«وقتی ضیافتی می‌دهی بینویان و مفلوجان و شل‌ها و کورها را دعوت کن و خوشبخت خواهی بود چون آنان هیچگونه وسیله عوض دادن ندارند و تو در آن روزیکه نیکان زنده می‌شوند عوض خواهی گرفت.» (انجیل شریف، ۱۹۸۶: ۲۱۲)

در نمونه‌ای دیگر از تعالیم انجیل منزل دادن به غریب و آب نوشاندن به تشنه و پوشاندن برهنه حیات جاودان را تضمین می‌کند. (همان: ۸۲)

در ساحتی دیگر کسانی که در خدمت خواص و پذیرای حواریون حضرت عیسی باشند اجر و ثواب یک پیامبر را تحصیل می‌کنند و فراتر از آن میزبان خدا و فرستنده پیامبر هستند. در ادامه این اشارات حضرت عیسی می‌فرماید: «یقین بدانید که هرگاه کسی به یکی از کوچکترین پیروان من، به خاطر اینکه پیرو من است، حتی یک جرعه آب سرد بدهد به هیچ وجه بی اجر نخواهد ماند.» (همان: ۲-۳۱) نیز رک (همان: ۱۲۵)

حضرت عیسی دعوت باجگیران و خطاکاران را می‌پذیرفت و با آنها هم سفره می‌شد و به ایراد گیران این نوع منادمت و مؤاکلت پاسخ می‌داد: «تندرستان احتیاج به طبیب ندارند بلکه بیماران محتاجند» (همان: ۱۷۲)

روزی عیسی خود را مهمان «زکی» که سرپرست باجگیران بود کرد «زکی» میزبانی عیسی را با خوشرویی پذیرفت و گفت: «ای آقا، اکنون نصف دارائی خود را به فقرا می‌بخشم و مال هر کسی را که به ناحق گرفته باشم چهار برابر به او بر می‌گردانم. عیسی به او فرمود: امروز رستگاری به این خانه روی آورده است.» (همان: ۶-۲۲۵)

۳. یافته‌ها در متن‌های قبل از اسلام

در پاره‌های مختلف اوستا و نوشته‌های پهلوی همانند قرآن مجید و انجیل و تورات در شأن مهمان و آیین میزبانی یافته‌های بسیار تأمل برانگیز و ارزشمندی وجود دارد که گواه چند ریشه گی و قدمت این فضیلت ایرانیان است. در کیش زرتشت وقتی روح از جسم جدا می‌گردد و در معیت «سروش مقدس» بسوی آنچه در انتظار اوست در حرکت است «مهمان نوازی» او در دنیا یاریگر روح و موجب بهبود وضعیت او در آن عرصه هولناک است. در آن حال کردار نیک «روان» همانند دوشیزه‌ای زیبا به استقبال او می‌آید و می‌گوید: «من کردار نیک توام زیرا در گیتی ... نیکان را گرمی داشتی و مهمانی و پذیرایی کردی و هدیه دادی، چه به آن کس که از نزدیک آمد و چه به آن کس که از دور آمد و خواسته از درستی اندوختی و یک بیک اعمال نیک او را بر می‌شمارد.» (زهر، ۱۳۷۷: ۱۳۲)

شاهد فوق یکی از تعاریف مهمان را بدست می‌دهد.

مکتوبی گسترده و مفصل بنام پتیت^۱ (Patet) از زمان ساسانیان باقی مانده است که پیشینیان ما آنرا در هنگام مرگ اقوام می‌خوانده‌اند. در قسمتی از این متن بازماندگان به دعا از گناهان و بدی‌هایی که در گذشته مرتکب شده‌اند از جمله ترک میزبانی و غریب نوازی پشیمانی و دوری می‌خواهند:

«از هر گونه گناه که به روان دادار او رمزد کردم از آزدن مردمان، زدن مردمان، آزدن با گفتار، ندادن دهش بایسته به مردمان، مهمان نکردن بیگانگان، نگاه نداشتن بیگانگان و آشنایان از گرسنگی و سرما، آزدن زیر دستان و گرمی نداشتن آنان!» (جنیدی، ۱۳۹۲: ۵-۱۰۴)

وصایای قبل از مرگ زعمای قوم و دانشیان زمان از حیث خیر اندیشی، خلوص، اهمیت طرح و لزوم کاربندی در خور توجه هستند. اندرز زیر یکی از حکمت‌هایی است که «آذرباد مار سپندان^۲» هنگام درگذشت به جهانیان گفت و آموخت که به خاطر داشته باشند و بکار گیرند:

«برای کرفه^۳ کردن، (به روی آن) کس که از دور (و آن) کس که از نزدیک فراز رسد در گشاده دارید، چه آن که برای کرفه کردن در گشاده ندارد، در بهشت و گرو دمان به رویش بسته می‌شود» (جاماسب، ۱۳۹۱: ۱۵۱)

«آذرباد مار سپندان» - موبدان موبد دوره ساسانی - در وصیت خود تعریفی جامع و کامل از مهمان ارائه کرده است. در این تعریف تکلیف میزبان روشن است و او را با کار و پیشه؛ شأن و مرتبه؛ هدف و مقصد، کیش و آیین، آشنایی و ناآشنایی، دوری و نزدیکی و خوبی و بدی مهمان کاری نیست.

«مینوی خرد» یکی از کتابهای گرانبهای دینی است که تقریباً ۱۱۰۰۰ کلمه پهلوی دارد. «مینوی خرد» را تعالیم عقل آسمانی یا روح‌العقل گویند این کتاب ظاهراً در اواخر ساسانیان تألیف شده است و شامل ۶۲ پرسش و پاسخ پیرامون

۱- پتیت: توبه در اوستا پتیت و در پهلوی و پازند پت و به همین هیأت در ادبیات زرتشتی باقی مانده به معنی توبه و انابه است. چهار توبه نامه به زبان پهلوی و پازند در دست داریم ۱- پت «آذر باد مهر اسپندان» که معمولاً پت پشیمانی نامیده می‌شود ۲- پت ایرانیک ۳- پت خود یا خود پت ۴- پت و دزدگان (استغفار از برای گذشتگان) که پت روانی هم نامیده شده است. در پت‌ها از مواردی سخن به میان آمده که اساس آن بر پایه کارهای بایسته است که می‌بایستی انجام بدهد و نداده و یا بالعکس کارهای نابایسته است که نمی‌بایستی انجام بدهد و انجام داده است، و توصیه می‌کند که با منش خوب دنبال کارهایی برود که با کرفه کاری راه دوزخ بسته و راه بهشت گشوده شود. نقل به اختصار از (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۱۹۵) پتیت مورد نظر در متن مقاله ظاهراً از نوع چهارم موارد بر شمرده است.

۲- آذرباد مهر اسپندان، از مشهورترین موبدان عهد ساسانی و از مقدسین زردشتیان است. به فرمان اردشیر پاپکان سرسلسله ساسانیان یکی از گرد آورندگان اوستا است. برخی از مورخین او را زرتشت ثانی نامیده‌اند. او متن صحیح و قطعی اوستا را فراهم آورد و برای رفع اختلافات مذهبی و تضمین صحت کتاب مقدس و اثبات حقانیت مزدیسنا امتحان «ور» داده‌نم من روی گذاخته روی سینه «آذر بد مهر اسپند» ریختند به این می‌مانست که به روی سینه اش شیر دوشیده باشند. نقل به اختصار از (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۷۳-۷۰)

۳- (کرفه، کرپک). این واژه‌ها به معنی ثواب است که به فارسی کرفه و در پهلوی کرپک گویند. کرفه گر یعنی ثوابکار. در اوستا آمده «به کرفه بپردازم و گناه را ترک کنم». (همان: ۳۹۲)

دین مزدیسنی است. اختصاص دو پرسش و پاسخ از مندرجات این اثر گرانها به موضوع مورد بحث نشان اهمیت بعد دینی این خصیصه ملی است:

پرسید دانا از «مینوی خرد» که مردمان به چند راه و بهانه ی کار نیک به بهشت می رسند؟ «مینوی خرد» پاسخ داد..... و سی و سوم کسی که بیماران و عاجزان و مسافران را مهمانی کند. (مینوی خرد، ۱۳۶۴: ۵۴)

پاسخ مینوی خرد بسیار شبیه سفارش حضرت عیسی در اطعام کردن بیماران و عاجزان و فقرا و ... در انجیل است. در جای دیگر «مینوی خرد» خطاب به «دانا» برای تحصیل «پایندگی» می گوید: «به مردم نیک اندیشیدی و مهمانی و پذیرایی کردی و هدیه دادی.» (همان: ۱۳)

قرنها بعد نیچه فیلسوف آلمانی در اثری که کلام پر طنین شاعرانه آن جان آدمی را بیدار می سازد و ابر انسان شدن را آموزش می دهد ظاهراً ملهم از روح تعالیم کتب مقدس براهمیت و تأثیر سیری بخشی گذریان و گرسنگان تأکید دارد:

«زرتشت نیچه^۱ وقتی مهمان پیر مردی شد و گفت: «یک زنده و یک مرده، چیزی برای خوردن و نوشیدن به من ده. من سراسر روز این را از یاد برده بودم. خرد می گوید: «هر که گرسنه ای را سیر کند، روان خودش را تازه می کند.» (نیچه، ۱۳۷۹: ۳۱)

۴. یافته ها در متون عرفانی

با تأمل در یافته های متون عرفانی در می یابیم صوفیه و عرفا در پیوندی درونی با تعالیم و آموزه های کتب مقدس و تبعیت از شیوه زیست برگزیدگان آسمانی و به نحو غیرمستقیم تحت تأثیر متون ما قبل اسلام این شاخصه والای ایرانیان را در قالب رعایت آداب خانقاهی و عمل مداری فتوت خانه ها تداوم بخشیده و با ذوق صوفیانه ی خود تقویت کرده اند. آنها در نظر و عمل مهمانداری گذریان و راهیان را نوید بخش میزبانی حوران از آنها در سرای باقی می دانند شواهد زیر در این باب شایان توجه است:

در یکی از کهن ترین کتب تصوف پیامبر اکرم (ص) برای ترغیب یاران به مهمانداری وعده بهشت به میزبانان می دهد: «گفته اند که آن حضرت (ع) را مهمان آمد. گفت کیست که امشب این را میزبانی کند تا من او را به بهشت مهمان کنم بعد از آنکه به هرته خانه عیالان خویش چیزی طلب کرد و نیافت یکی از انصاریان مهمان را به خانه برد و عیال را گفت هیچ طعام داری؟ گفت دو قرص دارم از بهر کودکان. گفت: کودکان را بخوابان و به بهانه خواب کردن چراغ را بنشان و ما دهن می جنبانیم و نخوریم تا مهمان پیامبر سیر گردد همچنین کردند.» (مستملی بخاری، ۱۳۷۳: ۱۳۷)

از سخنان حسن بصری در اهمیت مردم داری است که: «هر چه بنده بر خود و مادر و پدر خود نفقه کند آن را حسایی بود مگر طعامی که پیش مهمانان و دوستان نهد.» (عطار نیشابوری، ۱۳۸۶: ۴۰-۳۹)

از گزاره بالا فهمیده می شود که ثواب و پاداش آنچه پیش «تازه رسیدگان» نهند حد و اندازه ندارد.

باتوجه به اینکه یکی از کارکردهای خانقاه و صومعه پناه دادن به از راه رسیدگان و پذیرایی از ماندگان و مسافران بود. شیخ ابوالحسن خرقانی برای رهایی از عذاب قبر و سؤال ملکان به گرم دلی و سفره گشایی خود التجا می جوید.

^۱ - بین زرتشت نیچه با زرتشتی که پیامبر ایرانی است نسبت و نزدیکی هست اما این نسبت، نسبت این همانی نیست این مقدار می توان گفت که «زرتشت در این کتاب یک شخصیت نمادین است که نیچه از زبان او، که زبان شاعرانه و پیامبرانه و حکیمانه است، معنا و ماهیت هستی و نسبت انسان را با آن از دیدگاه خود باز می گوید و گذار از انسان به آبر انسان برای او یک معنای بنیادی هستی شناسیک دارد که با کاویدن آن معنای نسبت خدا و انسان و دین و اخلاق و فلسفه و علم و تمامی وجه معنوی انسان در این اثر طرح می شود.» (نیچه، ۱۳۷۹: ۸)

«آورده اند که چون شیخ ابوالحسن خرقانی را رحمه الله علیه، دفن کردند یکی از اولیاءالله مترقب حال او بود. چون ملکان سایلان در رسیدند و ازو سؤال کردند، در جواب گفت بلحسنو بیچاره صومعه داری بود چون مسافری بدو می رسید اولاً پا افزار او می کشید و سفره می گشود و بعد از ساعتی سؤال حال او میکرد. این بیچاره همین لحظه درین زاویه تنگ تاریک درآمده مع هذا، باری تعالی را ازین بنده مسکین سلام دهید و بگویید که تو با وجود چندین هزار بنده مرا یاد کردی. بلحسنو مسکین - که به غیر از تو کسی ندارد - تو را چگونه درین حالت فراموش کند؟» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۴۲۷)

درک حال و استفاده بجا از پیشه صومعه داری در زندگی، برای تفصی از وضع هولناکی که ابوالحسن بدان گرفتار شده، تیزهوشی، خوش ذوقی و سرعت انتقال می طلبد. نتیجه گیری خرقانی از این استدلال بنحوی روشن و مسلم است که خواننده توجهی به ناتمامی روایت نمی کند.

ضرورت‌های اجتناب ناپذیر زندگی در نوشته های پیشینیان سه چیز است و مازاد بر آنها زائد و بار خاطر است. صوفیه به اقتضای سلامت نفس و شفقتی که بدان ممتازند براین باورند که در خوراک و لباس و مسکن به فکر دیگران بودن ثوابی بی حساب دارد و گذر از پل را بی بیم می کند. از اندرزهای خرقانی در این خصوص است: «نان به نیت مهمان پزی و دیگ به نیت مهمان بر نهید و جامعه به نیت درویشان دوزید که چون مهمان رسد نصیب خویش خورد و شما طفیل باشی. روز قیامت شما را بدان حساب نکنند و هر جامه که یک چندی بدارید پس به درویشان دهید آن را حساب نبود در قیامت» (همان: ۲۶۲)

سعادت نیک فرجامی از راه رفع نیازهای اولیه و جسمی دیگران در کلمات قصار شمس تبریزی نیز بازتاب یافته است: «هر که برادر خود را سیر طعام و شراب دهد خدای تعالی دور گرداند او را از هفت دوزخ و به رحمت بیامزد.» (تبریزی، ۲۵۳۶: ۲۱۱)

به عقیده پروفیسور «آنه ماری شیمل» اسلام شناس و عرفان پژوه آلمانی «خصلت مهمان نوازی که در فرهنگ شرقی موقعیتی ممتاز دارد، حتی فقیرترین و نفرت آورترین مهمانان را نیز شامل می شود زیرا - کسی چه داند - شاید وی یکی از اولیای الهی باشد که بصورت پنهان روی نموده است.» (شیمل، ۱۳۷۶: ۴۳۱) نیز رک (فروزانفر، ۱۳۶۱: ۵۲ و ۸۵)

رسالت بزرگی که عرفا بنیکی از عهده آن برآمده اند امید آفرینی بی حد و مرز است. آنها به صور گونه گون برای سیه کاران و تبه روزگاران و مایوسان مایه نشاط و گشاینده باب نجات بوده اند. «ابوالحسن خرقانی روزی صوفی را گفت: روی به حق فا کن گوی: الهی! اگر این جان که به من می دهی روز قیامت حساب خواهی کرد تا به تو بهلم که نیکو نبود که مرا مهمان کنی پس شمار کنی.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۲۷۷)

یکی از عللی که خرقانی بیش از سایر مشایخ صوفیه در لزوم تجلیل از مهمان تأکید دارد عمل به تکلیف فرا زمینی است زیرا خداوند بواسطه ندای راهنمای نادیدنی، شیخ ابوالحسن خرقانی را موظف به ادای حق مهمان کرد و فرمود: هر کس به هر نیت و علت معلوم و نامعلوم مادی و معنوی به دیدار تو می آید مهمان و فرستاده من است خواسته او برآورده ساز. شیخ اظهار عجز می کند. خطاب الهی است که «از من یاری خواه» نازل ترین درجه حق گزاری در این گفتگو آنست که: «کسانی که به سلامی مهمان تو آیند باید که علیک السلام بیابند.» (همان: ۳۴۸)

در رساله فارسی کهنی با مطالبی راجع به مسائل مختلف دینی و عرفانی آمده است به فرمان خداوند فرشتگان در غربت لحد، مهمان داری مؤمن می کنند. وقتی مؤمن را در گور نهند و نزدیکان دور گردند و او غریب و تنها در لحد ماند خداوند به فرشتگان فرماید: «امروز نیکوش مهمان دارید و بروی رحیم تر از مادر و پدر باشید پس گور را بر وی فراخ و روشن گرداند.» (منتخب رونق المجالس و بستان العارفین و تحفه المریدین، ۱۳۵۴: ۳۴۴)

بخشی از سخنان شیخ جام «در زاویه داری و سماع» به ارج مندی حمایت خواه و برکات پناه بخشی و حمایت گری و شروط آن مربوط است. او خوشنودی مهمان را ذخیره اخروی می داند و کسب آنرا بهر تدبیری الزام می کند: «...»

هر مردمی که بتوانی دریغ نیاید داشت و هیچ خدمت و مراعات از مهمان باز نباید داشت و به هر چیزی سبکی نباید کرد و دل مهمان نگه باید داشت که ذخیرهٔ توست که بر دست او به آن جهان می فرستی. و هر که نه چنین کند که گفته شد او را در سرای باز نهادن مسلم نیست.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۳: ۷-۳۹۶)

نتیجه گیری :

- به استناد داده های متون مقدس و شواهد رسالات ماقبل اسلام امتیاز خوش میزبانی ایرانیان ریشه در اعتقادات دینی و حقایق آیینی آنها در طی قرون متمادی دارد و التزام به ادای این تکلیف ذخیرهٔ گرانبهایی است که آنها را از هفت دوزخ رهایی بخشد. خصیصهٔ مورد بحث با ظهور تصوف در قالب آداب خانقاهی و اصول صومعه داری استمرار یافته و تقویت شده است.

- در دستاورد مستنبط از کتب مقدس و احادیث و روایات، خداوند در عین حال که میزبان حقیقی است مهمان میزبانان است و به عبارت دیگر میزبان و مهمان و یا رزق و مرزوق و رازق در آن وجود لایتناهی به وحدت می رسند.

- تعریف و تلقی از مهمان در متون مقدس و نوشته های پهلوی و رسالات عرفانی در حد بسیار بالایی مشابه و یکسان است و نا آشنا مهمان ؛ مهمان واقعی است که نان و برکت پیش از قدم او می رسد.

- نعمت «در حال زیستن» و «شادی» یکی از مهم ترین برکات نقد و حاضر قدم ره زدگان است.

- شتاب در نزل نهادن قاعدهٔ معمول و مورد تأکید در قلمرو پژوهشی است.

- رد دعوت میزبان رفتار جوانمردانه‌ای نیست الا زمانی که بیم جان و عادت به سفلی و یا اشارت آسمانی در میان باشد.

- تنگ دستی و وام داری با سفره داری قابل جمع است و حق تعالی تهیدستانی که با دیدن غریبه آتش اجاق را تند می کنند؛ ضایع نمی گذارد و اغلب نام نهادگان در اکرام اضیاف گمنامان هستند.

با این باور که رزق میزبان از خوان غیب به پای مهمان باز بسته است. مهمان در حقیقت میزبان صاحب خانه است. لذا مهمان نوازان خود مهمانند و در آن طعام در عین اینکه طفیل هستند مزد اخروی یابند.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمهٔ مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ اول، تهران : مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۲- انجیل شریف، چاپ چهارم، تهران : انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۸۶.
- ۳- تورات، ترجمهٔ پیروز سیار، تهران، هرمس، ۱۳۹۴.
- ۴- اوشیدری، جهانگیر، دانشنامهٔ مزدیسنا، چاپ اول، تهران : مرکز، ۱۳۷۱.
- ۵- تبریزی، شمس‌الدین محمد، مقالات شمس تبریزی، تصحیح محمدعلی موحد، تهران : انتشارات دانشگاه صنعتی شریف، ۲۵۳۶.
- ۶- تشکر، احمد، آیین مهمان نوازی در اسلام و ایران، چاپ اول، قم : صالحان، ۱۳۸۸.
- ۷- جاماسب، جی دستور منوچهر جی جاماسب آسانا، متن های پهلوی، پژوهش سعید عریان، چاپ اول، تهران : علمی، ۱۳۹۱.
- ۸- جنیدی، فریدون، داستان ایران بر بنیاد گفتارهای ایرانی، چاپ اول، تهران : بلخ، ۱۳۹۲.
- ۹- زاکانی، نظام‌الدین عبید، اخلاق الاشراف، تصحیح علی اصغر حلبی، چاپ اول، تهران : اساطیر، ۱۳۷۴.
- ۱۰- زرنر، آر، سی، تعالیم مغان، ترجمهٔ فریدون بدره‌ای، چاپ اول، تهران : طوس، ۱۳۷۷.
- ۱۱- شفیع کدکنی، محمدرضا، درویش ستیهنده از میراث عرفانی شیخ جام، چاپ سوم، تهران : سخن، ۱۳۹۳.

- ۱۲- شفیعی کدکنی، محمدرضا، نوشته بردریا از میراث عرفانی ابوالحسن خرقانی، چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۸۴.
- ۱۳- شیمل، آنه ماری، تبیین آیات خداوند، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۱۴- طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ سی‌ام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹.
- ۱۵- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد، تذکره الاولیاء، تصحیح محمد اسلامی، چاپ هفدهم، تهران: زوار، ۱۳۸۶.
- ۱۶- فروزانفر، بدیع الزمان، احادیث مثنوی، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱.
- ۱۷- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، رساله قشیریه، ترجمه ابوعلی حسن بدن احمد عثمانی، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، چاپ نهم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ۱۸- مستملی بخاری، خواجه امام ابوالبراهیم اسماعیل بن محمد، شرح التعرف لمذهب التصوف، تصحیح محمد روشن، چاپ دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۳.
- ۱۹- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ چهل و یکم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۹.
- ۲۰- منتخب رونق المجالس و بستان العارفین و تحفه المریدین، تصحیح احمدعلی رجایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
- ۲۱- مبینی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عده الابرار، به اهتمام علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- ۲۲- مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، چاپ دوم، تهران: طوس، ۱۳۶۴.
- ۲۳- مینوی، مجتبی، نقد حال، چاپ سوم، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۷.
- ۲۴- نیچه، فریدریش ویلهلم، چنین گفت زرتشت، ترجمه داریوش آشوری، چاپ پانزدهم، تهران: آگاه، ۱۳۷۹.



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی